

## بررسی اصلاح از درون در اندیشه‌های زرتشت

حمیده حسن خانی<sup>۱</sup> و بتول فخر اسلام<sup>۲</sup>

۱- دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی- واحد نیشابور، ایران. (نویسنده مسئول)، ۰۹۱۳۳۴۷۹۴۲۹-iran\_2020\_good@yahoo.com

۲- دکترای زبان و ادبیات فارسی، عضو هیئت علمی، زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی- واحد نیشابور، ایران. bt\_fam12688@yahoo.com

### چکیده

اصلاح از درون با مفاهیمی نظیر خودسازی (اصلاح از درون) و خودسازی همراه است. بدین منظور برای اینکه اصلاح از درون شکل بگیرد لازم است که انسان ابتدا خود را بشناسد و پس از شناخت خود اقدام به خود سازی بکند. اهمیت اصلاح از درون، هم در ادیان آسمانی و پیشوایانی دینی بیان شده است. هدف این تحقیق بررسی اصلاح از درون در اندیشه‌های زرتشت است. روش به کار رفته در این تحقیق ترکیبی از روش اسنادی و توصیفی، تحلیلی است؛ که محققان با استفاده از اسناد و مدارک موجود (منابع دست اول و دست دوم) اقدام به گردآوری اطلاعات و تشریح و تبیین مفاهیم، اصول، راهبردها و ساختار در عرصه تحلیل متون مرتبط با دین زرتشت بوده که بر اساس کد بندی داده‌های کشف شده بر اساس تحلیل محتوا است. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که انسان شناسی در اندیشه زرتشت و دلالت‌های تربیتی برخاسته از آن را مطلوب ارزیابی کرد، برای نمونه بر اساس بینش زرتشت، خودسازی (اصلاح از درون) دارای چهار بعد ارتباط با اهورامزدا، سایر انسان‌ها، جهان هستی و نیز خویشتن می‌شود، اما تبیین این تعاملات چهارگانه همه جانبه، عمیق و کامل نیست و در هر ارتباط، تنها به جنبه‌هایی از آن تأکید می‌شود. در بینش زرتشت، کسب فضایل معنوی و تعالی خویشتن، موجب شناخت اهورامزدا، جهان هستی و سایر انسان‌ها و نیز تنظیم ارتباط با آن‌ها می‌شود.

واژه‌های کلیدی: اصلاح، اصلاح از درون، خود، خودسازی.

## مقدمه

انسان‌شناسی، پس از خداشناسی محوری‌ترین مسئله نزد ادیان است؛ زیرا مبنای آفرینش جهان و فرستادن پیامبران، برای انسان و هدایت او بوده است. ادیان بر اساس بینش خود نسبت به انسان، مراتب تکامل معنوی او را در نیل به سعادت نهایی انسان ترسیم می‌کنند و خودسازی (اصلاح از درون) را نخستین گام در پیمایش این مسیر می‌دانند. شناخت انسان، موضوعی است که همواره مورد توجه ادیان، مکاتب و فرهنگ‌های گوناگون بوده است. کمتر نظام فکری و فلسفی‌ای وجود دارد که به نوعی به شناخت انسان نپرداخته باشد. از ادیان و مذاهب هند، فلسفه یونان و روم، تفکرات اندیشمندان قرون وسطای مسیحی، اندیشه‌های اصیل اسلامی، از رنسانس تا عصر حاضر، همواره شناسایی انسان و توجه به ابعاد وجود وی مورد نظر بوده است. از دو دیدگاه می‌توان به انسان نگریست: یکی از این دیدگاه که انسان چیست؟؛ یعنی چه صفات و انگیزه‌هایی در وجود وی نهفته است، یا دارای چه کشش‌ها، غرایز و فطریاتی است؟ از دیدگاه دوم، این مسئله مطرح است که انسان چه باید بشود؟ به بیان دیگر، انسان چه هدفی را باید در حیات خود در نظر بگیرد تا با حرکت به سوی آن، به کمال وجودی خویش نیل شود. در دیدگاه دوم، راه‌ها و روش‌های نیل به کمال مطلق نیز مطرح می‌شود؛ یعنی اینکه انسان از چه مسیر یا مسیرهایی باید طی طریق کند تا به مقام کمال وجودی‌اش برسد و شایسته عنوان انسان کامل گردد (نصری، ۱۳۷۶، مقدمه). بر این اساس، تعالی معنوی و تکامل اخلاقی انسان و به تعبیری خودسازی (اصلاح از درون) از جمله مباحث مرتبط با انسان‌شناسی است.

با توجه به بحث وحدت بین ادیان و به تبع آن وجود پاره‌های اشتراکات میان این ادیان، از نظر اصول، مبانی و اهداف، اگر موضوع اصلاح از درون یکی از مقوله‌های اساسی انسان‌شناسی در نظر گرفته شود. اصلاح از درون با مفاهیمی نظیر خودسازی (اصلاح از درون) و خودسازی همراه است. بدین منظور برای اینکه اصلاح از درون شکل بگیرد لازم است که انسان ابتدا خود را بشناسد و پس از شناخت خود اقدام به خودسازی بکند. هدف این تحقیق بررسی اصلاح درون در اندیشه‌های زرتشت است.

## بیان مساله تحقیق

اصلاح از درون با مفاهیمی نظیر خودسازی (اصلاح از درون) و خودسازی همراه است. بدین منظور برای اینکه اصلاح از درون شکل بگیرد لازم است که انسان ابتدا خود را بشناسد و پس از شناخت خود اقدام به خودسازی بکند. اهمیت اصلاح از درون، هم در ادیان آسمانی و پیشوایانی دینی بیان شده است و هم علمای اخلاق و حتی اندیشمندان غربی بدان توجه کرده و برای آن اهمیت بالایی را قائل شده‌اند.

در تاریخ مشرق زمین و همچنین تفکر اسلامی، اندیشمندان راه‌های مختلفی جهت معرفت خداوند پیشنهاد و ارایه کرده‌اند که در کتب کلامی، فلسفی و عرفانی به صورت مبسوط و ضمنی تقریرات مختلف، تبیین شده‌اند و به عنوان براهین دارای چارچوب معین، فراروی سالکان راه حق قرار گرفته‌اند. پیامبر اکرم(ص) در حدیث مشهور خود فرموده‌اند: «من عرف نفسه فقد عرف ربه» هر کس خود را شناخت، خدای خود را شناخته است؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲، ۳۲) در این کلام، نفس انسان به عنوان راه و دلیلی برای شناخت پروردگار معرفی شده که انسان سالک را به طی کردن این مسیر و نیل به معرفت پروردگار تشویق کرده است.

## سؤالات تحقیق

- اصلاح از درون در اندیشه‌های زرتشت چگونه است؟
- روش استدلال دین زرتشت برای اثبات اصلاح از درون چگونه است؟

## پیشینه و مفاهیم تحقیق

اصلاح از درون با مفاهیمی نظیر خودسازی (اصلاح از درون) و خودسازی همراه است. بدین منظور برای اینکه اصلاح از درون شکل بگیرد لازم است که انسان ابتدا خود را بشناسد و پس از شناخت خود اقدام به خودسازی بکند.

**مفهوم اصلاح:** اصلاح در لغت به معنی؛ به صلاح آوردن، به سامان آوردن، آراستن، سازش دادن، نیکویی کردن و مصلح به معنی: اصلاح کننده، آشتی دهنده، شایسته و نیکوکار بیان شده است و در اصلاح در جمع با الف و تاء همراه است. چند تعریف از اصلاحات: ۱- در اصطلاح سیاسی عبارت است از: هواداری از تغییر زندگی اجتماعی یا (reformism) بهبود خواهی اقتصادی یا سیاسی با روش‌های بدون شتاب از راه‌های دموکراتیک.

۲- جریان سیاسی که دگرونی جامعه را از طریق اصلاحات و نه انقلاب تبلیغ می‌کند.

۳- جوهره اصلاحات نقد گذشته و پیدا کردن روش و راه اداره موفق جامعه در سطح خرد و کلان. البته لازم به ذکر است که بعضی‌ها معتقدند که در عمل یا در مجادلات سیاسی ماهیت اصلاح یا بهبود خواهی چندان روش نیست و آنچه مسلم است همان نفس تعدیل یا تغییرات است (اخوان کاظمی، ۱۳۷۹).

**مفهوم خود:** در فرهنگ لغات انگلیسی آکسفورد، چهار معنا برای کلمه «خود» ذکر شده است. معنای اول، دلالت بر همسانی دارد، مانند کلمه: خودسانی. معنای دوم، بر فردیت یا ذات یک شخص یا چیز دلالت دارد مانند: خودش، خودت، خودم و... این معنا در عین حال تفاوت از دیگران را به طور همزمان به یاد می‌آورد. معنای سوم، به درون‌نگری یا عمل بازتابی<sup>۱</sup> اشاره دارد و اغلب به صورت پیشوند به کار می‌رود، مانند: به خود شک کردن، به خود اعتماد داشتن (اعتماد به نفس) و خود آگاهی. معنای چهارم به استقلال، کنش‌گری و خود مختاری اشاره دارد، مانند «خودش کرد». به این ترتیب معنای کلمه: «خود»، را می‌توان موزایی با معنای عمومی هویت دانست. بنابر نظر جنکینز «خود» عبارت است از فهم تأملی (بازتابی) هر فرد از هویت خاص خودش که در رویارویی با دیگران و با در نظر گرفتن شباهت یا تفاوت ساخته می‌شود و بدون آن ما نمی‌دانیم چه کسی هستیم و از همین رو قادر به عمل نخواهیم بود (جنکینز، ۱۳۸۱: ۵۰). از نظر گیدنز هویت خود، همان خود است که شخص آن را به عنوان بازتابی از زندگی‌نامه‌اش می‌پذیرد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۸۲). بر بیان فی بر این اعتقاد است که خود، متضمن خودآگاهی است. خودآگاه بودن یعنی با خبر بودن فرد از خودش به عنوان جوهری که قابلیت آن را دارد که چیزی غیر از آنچه هست باشد (فی، ۱۳۸۳: ۷۸).

**مفهوم خودسازی (اصلاح از درون):** به معنای اطلاع بر خود، شناختن خود و عارف به نفس خود شدن می‌باشد (همان، ج ۲۱: ۸۴۶) و در اصطلاح یعنی شناختن انسان از آن نظر که دارای استعدادها و نیروهایی برای تکامل انسانی می‌باشد (مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ۶۶).

### پیشینه تحقیق

- در تحقیقی تحت عنوان «بررسی مقایسه‌ای مفهوم خودسازی (اصلاح از درون) از نگاه آیین زرتشت و اسلام» که توسط ریاض هروی، شیدا شمشیری، بابک رحیمیان، سعید؛ هفت آسمان، پاییز ۱۳۹۱، سال چهاردهم، شماره ۵۵ صورت پذیرفته است بیان می‌دارد: خودسازی (اصلاح از درون)، از آن رو که موجب تعالی و تکامل اخلاقی و معنوی انسان است، از جمله موضوعات محوری در تمام مکاتب اخلاقی، آیین‌ها و ادیان توحیدی است؛ به طوری که دعوت به خودسازی (اصلاح از درون)، سرآغاز دعوت پیشوایان مکاتب اخلاقی، مصلحان بشری و پیامبران الهی و مبنای تعالیم آن‌ها جهت هدایت انسان‌ها بوده است. با توجه به بحث وحدت بین ادیان توحیدی و به تبع آن وجود پاره‌های اشتراکات میان این ادیان، از نظر اصول، مبانی و اهداف، اگر موضوع خودسازی (اصلاح از درون) یکی از مقوله‌های اساسی انسان‌شناسی در نظر گرفته شود، می‌توان چنین استنباط کرد که باید میان ادیان توحیدی از نظر مفهوم خودسازی (اصلاح از درون) اشتراکاتی وجود داشته باشد. بر این اساس، نوشتار حاضر پس از اشاره‌ای مختصر به مبانی انسان‌شناسی و نیز حالات و مراتب تعالی روح از نگاه زرتشت و اسلام، به بررسی مقایسه‌ای مفهوم خودسازی (اصلاح از درون) از نگاه این ادیان می‌پردازد

<sup>1</sup> - Reflexivity

- در کتاب پیام پاک زرتشت، از خودشناسی تا خدانشناسی (بینش و بنیان‌های بهدینی)، ضمن معرفی زرتشت و دین زرتشت یا بهدینی به معرفی بنیان‌های آن می‌پردازد و بنیادی‌ترین وسایل رسیدن به این هدف را می‌توان در سه عبارت زیر کوتاه نمود: نیک اندیشه - گفتار نیک - کردار نیک. سپس باورهای بنیادین دین زرتشت را تشریح می‌کند نظیر بنیان‌های زندگانی (فروزه‌هایی مزدایی - انسانی) می‌پردازد. در این کتاب مقوله‌ی آرامش را به دو بخش آرامش فردی و آرامش گروهی تقسیم می‌کند و به تشریح نهاد یا ضمیر خود آگاه و دیگری نهاد ناخودآگاه می‌پردازد

بر اساس نگرش زرتشت به مفهوم انسان و تکامل معنوی وی، معلم الگوی کامل اخلاقی برای متربی است که می‌تواند با ایجاد تحول درونی در وی، او را در نیل به تعالی روحی یاری رساند. متربی وظیفه دارد تا با تأثیرپذیری از معلم خود و تلاش در مسیر تکامل، موجبات رشد و تحول درونی، وحدت شخصیتی و هماهنگی میان اندیشه، گفتار و رفتار و خویش را فراهم آورد و به خودآگاهی برسد. گرچه انسان شناسی زرتشت و دلالت‌های تربیتی برخاسته از آن مطلوب به نظر می‌رسد، ولی با توجه به خط سیر تکامل و تحول ادیان، بسیاری از مفاهیم و مفروضات مشترک میان ادیان، با ظهور ادیان جدید عمق و غنای بیشتری می‌یابد. آن گونه که در سایه‌ی ادیان متأخر، پویایی خود را از دست می‌دهد و به تدریج، رو به افول می‌گذارد. بر این اساس، آنچه ضرورت در مطالعه‌ی ادیان متقدم را توجیه می‌کند، علاوه بر شناخت هرچه بیشتر ادیان در حوزه تخصصی دین شناسی، آگاهی از خط سیر تحول و تکامل ادیان است؛ زیرا مطالعه‌ی ادیان متقدم، زمینه‌ی درک و دریافت عمیق‌تر از ادیان متأخر را فراهم می‌کند (کامران، ۱۹۹۹: ۱-۴۲).

- در مقاله‌ای با عنوان «نگاهی به انسان شناسی زرتشت و استنتاج دلالت‌های تربیتی آن» در مجله معرفت ادیان، سال پنجم، شماره دوم، پیاپی ۱۸، بهار ۱۳۹۳ بیان شده است: انسان‌شناسی، پس از خدانشناسی محوری‌ترین مسئله نزد ادیان است؛ زیرا مبنای آفرینش جهان و فرستادن پیامبران، برای انسان و هدایت او بوده است. ادیان بر اساس بینش خود نسبت به انسان، مراتب تکامل معنوی او را در نیل به سعادت نهایی انسان ترسیم می‌کنند و خودسازی (اصلاح از درون) را نخستین گام در پیمایش این مسیر می‌دانند. این مقاله با روش تحلیلی - استنتاجی، به بررسی نگرش زرتشت به انسان و ابعاد وجودی او، خودسازی (اصلاح از درون) زرتشت، دلالت‌های تربیتی برخاسته از انسان‌شناسی وی، در مقوله‌های چهارگانه اهداف تربیتی، روش‌های تربیتی، ویژگی‌های معلم و متربی می‌پردازد. همچنین در این مقاله، بر اساس انسان‌شناسی زرتشت و استدلالات تربیتی وی، به برخی مفاهیم و آموزه‌هایی که در خط سیر تکاملی ادیان، تحول و تکامل یافته‌اند، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

### تاریخچه زرتشت

آن چه از تاریخ ادیان الهی و برخی روایات اسلامی به دست می‌آید: زرتشت از پیامبران الهی است، دین زرتشت که منتسب به وی است، دین الهی است. اگر چه محل و تاریخ تولد وی روشن نیست. روایات ایرانی تولد زرتشت را در حدود ۶۶۰ سال قبل از میلاد نشان می‌دهد که اغلب محققان جدید آن را پذیرفته‌اند. بعضی دیگر با قرائن و دلایل، زمان ظهور او را به حدود سال ۱۰۰۰ ق.م دانسته‌اند. به رغم این که درباره دین زرتشت اختلاف وجود دارد که از ادیان الهی است یا نه، در منابع اسلامی تأکید شده است که دین زرتشت یکی از ادیان الهی بوده و زرتشتیان از اهل کتاب هستند (مبلغی، ۱۳۷۳: ۳۶۵). قرآن به اصالت مذهبی زرتشتیان تصریح می‌کند. (سوره حج، آیه ۲۲) و پیروان این دین را به عنوان صاحب کتاب به رسمیت می‌شناسد. بر همین اساس در فقه اسلامی زرتشتیان در کنار یهودیان و مسیحیان قرار گرفته‌اند. در سیره و سنت پیامبر اسلام و ائمه (ع) نیز رهنمودهایی درباره برخورد با زرتشتیان وجود دارد که بیانگر اهل کتاب بودن آن‌ها است. ابن عباس می‌گوید: پیامبر اسلام دستور داد از زرتشتیان مقیم یمن جزیه بگیرند. زرتشتیان جزیه دادند و بر آیین خود باقی ماندند. (مسعودی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۲۲۵) و آنان اهل کتب بودند (حر عامل، ۱۴۰۳: ج ۱۱: ۹۶). فقیهان نیز از آنان به عنوان اهل کتاب یاد کرده‌اند (شیخ طوسی، ج ۴، ۱۹۹). از برخی متون و منابع دینی استفاده می‌شود که برای زرتشتیان کتاب آسمانی داشته‌اند. در روایتی از امام علی (ع) آمده است که برای مجوسیان کتاب وجود دارد (حر عاملی، پیشین، ج ۱۱: ۹۸). مرحوم شیخ طوسی تصریح

می‌کند که برای زرتشتیان کتاب آسمانی وجود دارد (شیخ طوسی، پیشین، ج ۲: ۲۱۰). مرحوم علامه طباطبایی عقیده دارد: زرتشتیان دارای کتاب آسمانی و پیامبر بوده است.

دین زرتشت مانند بسیاری از ادیان دیگر به تحریف مبتلا شده و عقاید باطل و خرافات موهوم در آن راه یافته است (مبلغی، پیشین: ۳۳۰-۳۳۲) و مسئله ثنویت و اعتقاد به دو مبدأ آفرینش نیز از همین قبیل است. دینی که این پیامبر ایرانی تعلیم کرده، یک آیین اخلاقی و طریقه یگانه پرستی است. زرتشت خدای معبود و متعال خود را «هورامزدا» لقب داده، یعنی خدای حکیم، که دارای عالم و خلاق و نظام طبیعت است. او مزدا را صاحب اهورای حقیقی پنداشته و عبادت و پرستش را خاص ذات او قرار داده و وی را خداوند متعال و قادر و قاهر شمرده است که ذاتش به حکمت محض و خیر مطلق متصف است. او خود را پیغمبری مبعوث از طرف اهورامزدا می‌داند. در «گات‌ها» کتاب آسمانی زرتشتی‌ها، تأکید می‌کند که خدا او را برانگیخته و مأمور ساخته، دین او (در عصر خود) بهترین و کامل‌ترین ادیان است.

زرتشت برخلاف نظریه بعضی از زرتشتیان متاخر، آفرینش تمام موجودات را برحسب مشیت و اراده متعال اهورامزدا می‌دانست. در آیه آخر گات‌ها صراحتاً اهورامزدا را موجب و موجد نور و ظلمت - هر دو - می‌داند (مبلغی، پیشین: ۳۴۱).

اهورامزدا اراده قدوسی علوی خود را به وسیله روحی مقدس و نیکو نهاد از قوه به فعل درمی‌آورد که آن را «سپنتامینیو» نامیده است. اعمال الهی او نیز به دستیاری ارواح مقدس که «امشاسپنتا» گفته می‌شوند اجرا می‌گردد. این فرشتگان هر یک با حالت و صور فعالیت ذات الهی نام و معنایی جداگانه دارند، چنان که یکی را وهومنه (بهمن) نامید که به معنای «فرشته پندار نیک و نهاد خوب» است. دیگری را «آشا» (اردیبهشت) یعنی فرشته راستی و عدالت، دیگری را «خشترا» (شهریور) یعنی فرشته نیرو و قدرت کامل، دیگری را «هورواتات» (خرداد) یعنی فرشته رسایی و کامروایی، دیگری را «آدمایتی» (اسفند ارمد) یعنی فرشته شفقت و لطف و باروری و دیگری را «امرتات» (مرداد) که به معنای بقا و جاودانگی است.

نقطه اصلی و پایه اساسی اخلاق در آیین زرتشت بر این قاعده است که نفس آدمی، میدان نبردی واقعی میان خیر و شر است. اهورامزدا به آدمی آزادی عمل عطا کرده که عمل خود را برگزیند و بین صواب و خطا هر یک را بخواهد انتخاب کند، البته نیکان بدی را نمی‌پسندند.

از منطق و فلسفه زرتشت در کتب دینی می‌توان استنباط کرد آتش نمی‌پرستیده و بر آن عقیده‌ای که پیشینیان و نیاکان او بر آن بوده‌اند، نبوده است. هم چنین معتقدات او با آنچه بعدها آتش پرستان اخیر عنوان کرده‌اند، اختلاف دارد. آتش را فقط رمزی قدوسی و نشانی گرانبها از اهورا مزدا می‌دانسته است.<sup>۲</sup>

درباره دیدگاه رسول خدا (ص) درباره ایرانیان می‌توان گفت: طبق برخی روایات در قرآن آیاتی وجود دارد که اشاره به قوم ایران و ایرانیان دارد. از جمله. پیامبر هنگام تلاوت قرآن به این آیه رسید که خداوند می‌فرماید: «... وَ إِن تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ» (سوره محمد، آیه ۳۸) یعنی اگر روی برگردانید (خداوند) جای شما را به مردمی غیر از شما خواهد داد که مانند شما نخواهند بود. از آن حضرت پرسیدند: کسانی که اگر ما روی برگردانیم، خداوند آن‌ها را به جای ما قرار می‌دهد، چه کسانی هستند؟ رسول خدا در حالی که بر دوش سلمان فارسی می‌زد فرمود: «این مرد و قوم او هستند (ری شهری، ۱۳۷۵، ج ۱۰: ۷۰).

در حدیثی دیگر ابوهریره می‌گوید: خدمت پیامبر نشستیم بودیم که سوره جمعه نازل شد. آن را برای ما تلاوت کرد و وقتی به آیه «و آخرین منم لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ» (سوره جمعه، آیه ۳۸) رسید، مردی پرسید: آن گروه چه کسانی‌اند؟ حضرت ضمن اشاره به سلمان فرمودند: «قسم به جان کسی که جانم در دست او است! اگر ایمان در ثریا باشد، افرادی از این گروه به آن دست می‌یابند (سیوطی، ۱۳۱۴ق، ج ۶: ۲۱۵).

آیه دیگری در قرآن است که طبق حدیث نبوی از ایرانیان به عنوان پاسداران و نگهبانان دین یاد شده است. آیه می‌فرماید: «اگر این قوم نسبت به آن (هدایت الهی) کفر ورزند (مهم نیست). زیرا کسانی را نگاهبان آن ساختیم که نسبت به آن کافر

<sup>۲</sup>- در گات‌ها صراحتاً به آفریده (مخلوق) بودن نور و روشنایی و آتش اشاره شده است.

نیستند.» (سوره انعام، آیه ۸۹) شخصی از رسول خدا (ص) پرسید: منظور از آن گروه نگهبان دین در این آیه چه کسانی هستند؟ فرمود: سوگند به خدا، این گروه نگهبان، سلمان و قوم او هستند (نوری طبرسی، ۱۳۹۰: ۴۸).

رسول خدا غیر از احادیثی که در تفسیر آیات در مورد ایرانیان آوردیم، بارها در مورد ایران و ایرانیان سخن گفته و از آن‌ها به نیکی یاد کرده است که به چند مورد اشاره می‌شود. پیامبر می‌فرماید «ایرانیان خویشاوندان ما اهل بیت‌اند...» در جای دیگر می‌فرماید: «در بین مردم، مردم فارس بیش‌ترین سهم را از اسلام دارند.» «خوشبخت‌ترین ملت غیر عرب به واسطه اسلام مردم ایرانند. در جای دیگر ایرانیان را اهل بهشت می‌نامد (متقی هندی کنز العمال، ۱۴۰۹ ه، ج ۲: ۳۰۳)

### روش‌شناسی تحقیق

روش به کار رفته در این تحقیق ترکیبی از روش اسنادی و توصیفی، تحلیلی است؛ که محقق با استفاده از اسناد و مدارک موجود (منابع دست اول و دست دوم) اقدام به گردآوری اطلاعات و تشریح و تبیین مفاهیم، اصول، راهبردها و ساختار در عرصه تحلیل متون مرتبط با دین زرتشت بوده است. جامعه آماری مورد مطالعه در این تحقیق منابع و کتب مربوط به دین زرتشت و ابزار گردآوری در این تحقیق بر اساس کد بندی داده‌های کشف شده بر اساس تحلیل محتوا است.

### یافته‌های تحقیق

#### انسان‌شناسی آیین زرتشت

بر اساس برخی بندهای اوستا، به ویژه آنچه در گات‌ها آمده است، در بینش زرتشت، انسان موجودی دوبعدی است و در وجودش، دو بعد روان (اورون) و تن (تنو) از یکدیگر قابل شناسایی و تمیز هستند (قائم مقامی، ۱۳۷۸). از جمله گاهان ۳۱ بند ۱۱ و گاهان ۵۵ بند ۱ به این امر اشاره دارند. در این بندها، بُعد مادی و معنوی وجود انسان از یکدیگر متمایز شده‌اند. اورون یا روان، همان بعد معنوی و فناپذیر وجود انسان است که در گاهان، از آن فراوان سخن به میان آمده است. واژه اوستایی او (urvan)، علاوه بر آنکه بر بعد غیرمادی وجود انسان دلالت دارد، یکی از نیروهای مینوی پنج‌گانه وجود انسان نیز است. این بعد معنوی در آیین زرتشت، دارای پنج نیروی نهادی و باطنی است که به ترتیب عبارتند از:

۱. اهو (ahu) یا جان: اهو، همان نیروی هستی، جنبش و حرکت غریزی زندگی است و آن را به جان معنا کرده‌اند. اما این جان ربطی به روح و روان، به مفهوم عالی آن ندارد؛ زیرا جان فاقد درک و تأثیرات روحانی است. جان همراه با جسم به وجود می‌آید و با رشد و نمو جسم، جان نیز نیرو و قدرت بیشتری می‌یابد. هنگامی که جسم بی حرکت شد و از بین رفت، جان نیز فانی می‌گردد. پس اهو یا جان انسان، همان نیروی غریزی حرکت و جنبش وی است که وظیفه آن نگهداری بدن و تنظیم اعمال طبیعی آن می‌باشد. این قوه، با بدن هستی می‌یابد و با مرگ جسم از بین می‌رود (رضی، ۱۳۴۴: ۱۱۹).

۲. دین یا دننا: (daena) ریشه این واژه از دی به معنی دیدن و دریافتن گرفته شده است. واژه دانا در اوستا به دو معنا آمده است؛ یکی، به معنی کیش و آیین و دیگری، به معنی وجدان یا بینش درونی. دین یا وجدان، نیرویی است که اهورامزدا در وجود بشر به ودیعه نهاده تا همواره او را از نیکی و بدی عملش آگاه سازد. در مجموع، دین یا وجدان نیروی تشخیص و تمیز انسان و راهنمای وی در زندگی وی می‌باشد. این نیرو، راه خوب را به انسان نشان می‌دهد و عمل به آن را تشویق می‌کند، و راه بد را نیز با همه زشتی و زیان هایش به انسان نشان می‌دهد و وی را از عمل کردن به آن نهی می‌کند (همان: ۱۲۰).

۳. بوی یا بنوذ: (eaoza) در متون زرتشتی، بوی را گاه به هوش و ویر و دانش و مانند آن عطف کرده‌اند، ولی چنین می‌نماید که بوی، اعم از همه اینهاست. در حقیقت، این نیروهای فکری اجزای بوی‌اند (قائم مقامی، ۱۳۸۷). بوی، نیروی ادراک و فهم انسان است که وظیفه آن اداره خرد، هوش، حافظه و قدرت تمیز می‌باشد. این قوه با بدن به وجود می‌آید، اما پس از مرگ به روان پیوسته و به جهان ابدی می‌پیوندد (محمدی و عبدی پورفرد، ۲۰۱۵ و اورشیدری، ۱۳۷۱: ۱۵۶).

۴- اورون یا روان: روان نیرویی است که مسئولیت اعمال انسان را بر اساس آنچه او گزینش می‌کند، برعهده دارد و در جهان دیگر، بنابر شایستگی کردارش مؤاخذه می‌شود؛ گاهان ۲۶:۷ (در ستایش روان اشونان)، گاهان ۵۰:۱ به این نیرو اشاره دارند.

۵. فره وشی یا فروهر (farvahr) فروهر، آن نیروی اهورایی است که موظف است روان انسان را از گرایش به بدی‌ها بازدارد و او را به نیکی رهنمون کند و از این راه، موجب کمال معنوی او و پیوندش با اهورامزدا گردد (همان: ۳۷۴). اهورامزدا انسان را از روی صور روحانی عالم پاک فروهرها بیافرید و او را پاک و بی آلایش ساخت. اوصاف رذیله که آینه ضمیر وی را مکدر ساخته، یا وی را به آفات و مصائب مبتلا کرده، از اثر وسوسه و ضربت نیروی اهریمنی است؛ ولی آن جنبه ایزدی و آن روح عالم مینوی فروهر نام دارد که در باطن انسان به ودیعه نهاده شده است. فروهر، گرد آلایش به خود نمی‌پذیرد و پس از جدا شدن روان از کالبد، دگرباره به سوی عالم بالا از همان جایی که فرود آمده، بازمی‌گردد (اوشیدری، ۱۳۷۱: ۱۲۵). به عبارت دیگر، فروهر همان نیروی ایزدی است که انسان را به سوی رسایی و جاودانگی راهنمایی می‌کند و سبب کمال مادی و معنوی وی می‌گردد. انسان از راه پالایش و پرورش روح خویش می‌تواند خود را به پایه فروهر برساند و از این راه، مراتب تعالی و تکامل معنوی را بیاماید و در نهایت، به دیدار و پیوند با اهورامزدا نائل گردد (شهزادی، ۱۳۷۱: ۱۰۴).

### مراحل تعالی خود در آیین زرتشت

در بینش زرتشت، تعالی معنوی انسان و نیل به اهورامزدا، از طریق آمشاسپندان محقق می‌گردد؛ منظور از آمشاسپندان، همان صفات الهی و فضایل انسانی هستند که آدمی با شناخت و کسب آن‌ها، در مسیر خودآگاهی و تکامل روحانی خویش گام می‌نهد و در نهایت، اهورایی می‌شود (آشتیانی، ۱۳۷۴: ۱۹۰). همچنین در آیین زرتشت، آمشاسپندان را دستیاران اهورامزدا تعبیر کرده‌اند که به منزله فرشتگان ادیان ابراهیمی هستند؛ آن دستیاران را آمشاسپندان، یعنی جاویدان مقدس نامیده‌اند. در قسمت‌های مختلف اوستا، به ویژه هفت هات (هات‌های ۳۵ تا ۴۲ گاهان)، به آمشاسپندان اشاره شده و این صفات اهورایی و موجودات فرابشری، مورد ستایش قرار گرفته‌اند.

۱. وهومن (vohomanah)، یا اندیشه نیک: آیین زرتشت بر سه اصل هومت، هوخت و هورشت یا پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک استوار است. زرتشت، نیک اندیشی را بنیان نیک گفتاری و نیک کرداری انسان، و نیز سرچشمه فروزش دیگر فروزه‌های نیک در او می‌داند. زرتشت نیک اندیشی را به دلیل اهمیت بنیادی که در ساختار اخلاق و رفتار بشر و در نهایت در روند تکامل زندگی در جهان دارد، بسیار ارج می‌نهد و می‌کوشد تا با تکرار فراوان تأثیر آن در پیشرفت همه جانبه زندگی، باور انسان را در درک اهمیت آن، آگاهانه به یقین برساند (خنجری، ۱۳۷۵: ۴۰). از آن جمله، می‌توان به گاهان ۳۱ بندهای ۲۱ و ۲۲ اشاره کرد.

۲. آشاهیشت (Asa Vahishta)، یا بهترین راستی: در گاهان ۳۱ بند ۵ آمده است که ای اهورامزدا! مرا از آنچه خواهد شد و آنچه نخواهد شد، بیاگاهان تا در پرتوی داد «اشه» و «منش نیک»، آنچه را که برای من بهترین است، برگزینم و از آن پاداشی که به من خواهی داد، به شادکامی برسم راستی در آرمان زرتشتی ستوده‌ترین صفت انسان است؛ انسان در سایه اندیشه نیک و گرایش به راستی، به اهورامزدا نزدیک می‌شود.

۳. خسترا (khsathra Vairyā)، یا شهریاری مینوی: زرتشت بر این باور است که انسان، با پرورش این فضیلت در خویشتن، علاوه بر اینکه به دیو نفس خود لگام می‌زند و آن را تحت تسلط عقل در می‌آورد، از این توانایی در جهت بهبود اوضاع دیگران و برقراری داد و راستی در جهان نیز تلاش می‌کند (شهزادی، ۱۳۷۱: ۹۰). انسان با آراسته شدن به این فروزه، می‌تواند به صفات و ویژگی‌های اخلاقی و معنوی همچون گذشت و مهربانی، توانایی تسلط بر اراده و رفتار یا ایجاد هماهنگی بین خواست و خرد (خویشتن داری)، توانایی پیروی از نظام راستی، توانایی آزاده بودن و آزاده اندیشیدن و دفاع از حق و مبارزه با مظاهر بدی و دروغ آراسته گردد و در جهت خدمت به مردم و آبادسازی جهان گام بردارد (خنجری، ۱۳۷۵: ۴۲). چنان که در گاهان ۲۹ بند ۱۰ می‌خوانیم: ای اهورا! ای اشه! اینان را از نیرو و «شهریاری مینوی» برخوردار کن. ای منش نیک! بدینان آن دهشی را ارزانی دار که خانمان خوب و رامش بخشد (دوستخواه، ۱۳۷۰: ۱۲). همچنین در بند نخست گاهان ۵۱ آمده است: «شهریاری مینوی» نیک تو از آن کسی خواهد شد که با شور دل بهترین کردارها را به جای آورد (همان: ۷۷).

۴. سپنتا آرمیتی (spenta Armaiti)، یا عشق و فروتنی: در جهان بینی زرتشت، هنگامی که انسان، به این فضیلت نیک آراسته می‌گردد، دلش مرکز عشق و مهر به اهورامزدا و سایر مخلوقات می‌گردد، آن گونه که در گاهان ۴۳ بند ۲ آمده است: «کسی که برای دیگران خواستار روشنایی است، روشنایی بدو ارزانی خواهد شد، از سپنتامینوی خویش و در پرتوی اشه، دانش برآمده از منش نیک را به ما ببخش تا در زندگی دیرپای خویش همه روزه از شادمانی بهره‌مند شویم» (دوستخواه، ۱۳۷۰: ۳۹).

۵. ه اُروَتات (haurvatat) ، یا کمال و رسایی: ه اُروَتات یا خرداد در اوستا، به معنای کمال و رسایی مینوی است. انسان، در این مقام به بالاترین درجه از کمالات معنوی دست می‌یابد و به نیکوترین فضائل اخلاقی آراسته می‌گردد، آن گونه که از رسایی و کمال، در زندگی مادی و معنوی‌اش برخوردار می‌شود (شهزادی، ۱۳۶۷: ۹۸). ای مزدا! آنچه را شایسته تو و «اشا» است، با نماز به جای می‌آورم تا همه جهانیان با «منش نیک» در «شهریاری مینوی» تو به «رسایی» رسند (گاهان ۳۴ بند ۳، دوستخواه، ۱۳۷۰: ۳۲).

۶. اَمِرَتات (ameretat) ، یا جاودانگی: در گاهان ۴۵ بند ۷ آمده است: روان آشون به جاودانگی و کامروایی خواهد پیوست، انسان با نیل به گامه اَمِرَتات از فروهر عالی‌ترین نیروی مینوی برخوردار می‌شود و روانش به اهورامزدا می‌پیوندد، ایرانی (۱۳۱۱) اَمِرَتات را غایت آمال مزدیسنان و سرحد کمال انسان می‌داند.

### ابعاد خود از نگاه زرتشت

در بینش زرتشت، کسب فضایل معنوی و تعالی خویشتن، موجب شناخت اهورامزدا، جهان هستی و سایر انسان‌ها و نیز تنظیم ارتباط با آن‌ها می‌شود. از این رو، خود در فرهنگ زرتشت دارای ابعاد مختلفی است. البته این ابعاد برگرفته از متن اصلی اوستا نیست و تنها بر اساس برداشت‌ها و تفاسیر صورت گرفته برخی مؤلفان اوستا بیان شده است. این ابعاد عبارتند از:

۱. **خود در ارتباط با شناخت اهورامزدا:** در جهان بینی زرتشت، سرچشمه آفرینش، اهورامزداست و هریک از موجودات و مظاهر هستی، جلوه و نمودی از این حقیقت هستند. اهورامزدا، خود جامع صفات اهورایی وهومن، اشا، خسترا، سپنتا آرمیتی، ه اُروَتات و اَمِرَتات است که به طور مطلق و نامتناهی در ذات وی وجود دارند. انسان، با همه ابعاد وجودش، اعم از مادی و معنوی پرتویی از وجود اهورامزداست و این صفات اهورایی را وجودش به همراه دارد. وجود صفات اهورایی در انسان، سبب ارتباطش با اهورامزدا می‌شود؛ زیرا با پرورش هریک از فروزه‌های اهورایی در خویشتن، ابتدا خود را که پرتویی از وجود اهورامزداست می‌شناسد و بعد، به شناخت اهورامزدا ناآل می‌گردد (شهزادی، ۱۳۶۷: ۲۴). از آن جمله، می‌توان به گاهان ۳۴ بند ۱۱ تا ۱۴ و گاهان ۴۵ بندهای ۸ و ۹ اشاره کرد. گرچه در این قسمت، خود به عنوان منبع شناخت معرفی شده، اما در این بندها خود، ابزاری برای شناخت اهورامزدا در نظر گرفته شده است. در اوستا به مواضعی که بیانگر منبع بودن معرفت نفس برای خداشناسی باشد، اشاره‌ای نشده است.

۲. **خود در ارتباط با شناخت جهان هستی:** طبق تعالیم زرتشت، هر انسانی وظیفه دارد به طبیعت و اجزای آن احترام بگذارد و از آن‌ها محافظت کند. اساساً در بینش زرتشت، انسان باید تا آنجا که توان دارد، به مینوی کردن جهان مدد رساند (بویس، ۱۳۷۴: ۳۰۱). احترام به آتش، به عنوان یکی از مظاهر خدای روشنایی و فروخته نگهداشتن آن و انجام مراسم خاص در اطراف آن، در معابدی به نام آتشکده به رهبری موبدان مشخص‌ترین ویژگی این آیین است. همچنین آبادانی کشاورزی، دامداری و احترام به حیوانات از مواردی است که مورد ستایش این آیین قرار گرفته است (توفیقی، ۱۳۹۱: ۶۳).

۳. **خود در ارتباط با سایر انسان‌ها:** انسان زرتشت، انسانی است که در ارتباط با دیگر انسان‌ها مهربان و دلسوز است و با گرایش به داد و راستی، همواره در راه مبارزه با ستم و برقراری رفاه و آرامش در جامعه تلاش می‌کند (افتخارزاده، ۱۳۷۷: ۱۵۳). آن گونه که در گاهان ۴۵ بند ۹ آمده است: بشود که اهورامزدا با شهریاری مینوی خویش، ما را نیروی کار کردن بخشد تا در پرتوی «منش نیک» و «اشه» و با «نیک آگاهی» به پیشرفت کار مردمان بکوشیم (دوستخواه، ۱۳۷۰: ۵۳).

۴. **خود در ارتباط با خویشتن:** آراسته شدن به فروزه‌های اهورایی وهومن، اشا، خسترا، سپنتا آرمیتی، ه اُروَتات و اَمِرَتات، سبب کسب فضائل اخلاقی و موجبات رشد و تعالی معنوی انسان را فراهم می‌آورد. چنان که در بند نخست گاهان ۴۷ می‌خوانیم:

اهورامزدا با «شهریاری مینوی» و «آرمیتی» خویش، کسی را که با «بهترین منش» و گفتار و کردار به «سپند مینو» و «اشه» پیبوند، «رسایی» و «جاودانگی» خواهد بخشید (همان: ۶۳).

### چیستی مفهوم خودسازی (اصلاح از درون) از نگاه زرتشت

بر اساس آنچه که پیش تر در باب انسان شناسی زرتشت و نیز مراحل تعالی معنوی انسان و ابعاد مختلف آن بیان شد، اکنون به اجمال، به چیستی مفهوم خود و خودسازی (اصلاح از درون) استناد به انسان شناسی زرتشت، استنتاج می‌کنیم. سپس، با توجه به این مفهوم، دلالت‌های تربیتی برخاسته از آن را استخراج می‌کنیم.

انسان از طریق پالایش درون به صفات اهورایی آراسته می‌شود و در مرحله اُروَتات، با رسیدن به کمال و رسایی به خودسازی (اصلاح از درون) می‌رسد. سپس، بر اساس این خودآگاهی، در مرحله اُمرتات، روانش از فروهر برخوردار می‌گردد و به اهورامزدا می‌پیوندد و جاودانه می‌شود. این خودآگاهی، مقدمه‌ای برای شناخت اهورامزدا، جهان هستی و سایر انسان‌ها و تنظیم روابطش در ارتباط با هر یک از آن‌ها می‌گردد که نمود آن را در یگانگی با اهورامزدا، احترام به جهان هستی و مهرورزی در ارتباط با سایر انسان‌ها می‌توان مشاهده کرد. بی تردید هر یک از نیروهای مینوی وجود انسان، به نحو خاصی به او در مسیر خودسازی (اصلاح از درون) و نیل به اهورامزدا یاری می‌رسانند؛ دئنا، انسان را در گزینش میان خوبی و بدی راهنمایی می‌کند؛ بئوذ، اداره کننده انسان از نظر انجام تکالیف انسانی می‌باشد. اورون، مسئول اعمال انسان است و بر اساس گزینش او میان نیک و بد، سرنوشت نهایی کردار او را در اخذ پاداش یا مجازات تعیین می‌کند و در نهایت، فروهر، که عالی‌ترین نیروی مینوی وجود انسان است و آدمی با کسب فضایل معنوی و پیوند با اهورامزدا، از آن برخوردار می‌گردد.

### ویژگی‌های اصلاح از درون از نگاه آئین زرتشت

۱. تحول درونی برای دستیابی به بینش همراهی اندیشه و عمل: از نگاه زرتشت، کشف لایه‌های باطنی وجود، رشد و تحول درونی متربی را به همراه دارد. این امر خود موجب وحدت شخصیتی و هماهنگی میان اندیشه، گفتار و رفتار وی می‌گردد. در آیین زرتشت، به راستگویی در فکر، سخن و عمل تأکید فراوان شده است. در این خصوص، می‌خوانیم: انسان راستگو استوار و محکم است و هرگز سختی‌ها همت او را سست نمی‌سازد. تا مرا تاب و توانایی هستت تعلیم خواهم داد که مردم به سوی راستی روند و راستی یگانه فضیلت است، راستی شادمانی است، شادمانی از آن کسی است که همیشه راستگو و درست کردار است (وکیلیان، ۱۳۸۵: ۱۸).

۲. تأثیرپذیری و الگوسازی: دین زرتشت یک دستور عملی زندگی است، اصولاً فلسفه زرتشت دارای بعد اخلاقی بسیار قوی دارد و این نظر را اوستا و نیز سایر نوشته‌های مذهبی آیین زرتشت تأیید می‌کند (ضمیری، ۱۳۷۳: ۲۷)؛ بر این اساس، یکی از ویژگی‌هایی که متربی باید از آن برخوردار باشد، تا مسیر تکامل انسانی خویش را بپیماید، تأثیرپذیری و الگوسازی از معلم است. زمانی که متربی، از معلمی که خود، اسوه اخلاق و الگوی عملی کاملی در زمینه فضائل اخلاقی است، تأثیر می‌پذیرد و او را الگوی خویش قرار می‌دهد، در مسیر رشد باطنی گام برمی‌دارد و به تعالی می‌رسد.

۳. سعی و تلاش در مسیر کمال تدریجی انسانی: مربی وظیفه دارد برای نیل به این مهم، کاهلی و تنبلی را از خود دور سازد و با سعی و تلاش مستمر، در راستای تحقق این جریان گام بردارد. در گاهان ۴۳ بند ۱۴ آمده است: ای مزدا! تو با شهریاری مینوی خویش و در پرتوی اشه، پیروان مرا پناه بخش تا من و همه آنان که منشره تو را می‌سرایند، به پا خیزیم و از آموزش‌های تو پشتیبانی کنیم (دوستخواه، ۱۳۷۰: ۴۲). در جای دیگر، رسیدن به هدف در گرو رنج و سختی بردن مطرح شده است. بنابراین، تعلیمات زرتشت سابق به عمل و همت و فعالیت زندگی است (رضازاده شفق، ۱۳۳۵: ۱۳۱).

۴. حق شناسی و سپاس گذاری از معلم: از دیگر ویژگی‌هایی که آیین زرتشت، در نیل به کمال انسانی قائل است، حق شناسی و سپاس گذاری از معلمی می‌باشد که به عنوان یک راهنما در طی مسیر کمال، او را یاری کرده است. در فرگرد ۸ بند ۶ وندیداد آمده است: ای زرتشت مقدس کسی را معلم روحانی بخوان که تمام شب مطالعه کند و از خردمندان درس بیاموزد تا از تشویش خاطر فارغ گردد و در سر پل صراط با قوت قلب و نشاط باشد و به عالم مقدس جاودانی یعنی بهشت نائل گردد. وقتی معلم

دارای چنین صفاتی شد، باید نسبت به او حق شناس بود و برای او دعا کرد. در یسنا (گاهان) آمده است: بشود آن نیک مردی که راه راستی و درستی را به ما نشان داد در هر دو جهان پاداش نیک یابد. بر همین اساس، رابطه بین معلم و شاگرد بر پایه مهر و اخلاص بود (صدیق، ۱۳۳۶: ۶۱).

### از خودشناسی تا خداشناسی در دین زرتشت (بینش و بنیان‌های بهدینی)

نزدیک به 4000 سال پیش، هنگامی که انسان در ناآگاهی و نادانی بسیار بیشتری به سر می‌برد، و از همین رو با نشناختن دنیای پیرامونش و ندانستن سبب‌های رویدادهای سرشتی و آخشیحی (طبیعی-مادی) برای هر نمودی از جهان هستی و یا سهش‌ها (احساسات) و کارکردهای انسانی، خدایی و خدای گونه‌ای در پندار خود بافته و ساخته بود و به درگاه آن‌ها نیاز و قربانی کرده در ترس و بیم همیشگی از خشم آنان به سر می‌برد و هنگامی که کَرپن‌ها و کاوی‌ها، همانا کیش مداران و قدرتمداران و زورگویان از نادانی و ناآگاهی او بهره‌برداری می‌کردند و سرانجام هنگامی که آرامش و شادی و خوشبختی از زندگی‌ها رخت بر بسته و راهی برای رهایی و رهایی بخشی در دیده نبود:

بزرگ مرد اندیشمند و فرزانه‌ای «زرتشت» نام از خانواده‌ی «اسپنتمان» (اسپیتمان) در جستجوی خود به دنبال راستی‌ها (حقیقت)، پس از گذشتن از یک روند و جریان آگاهی، از راه خرد و الهام درونی و روشنایی یافتن (اشراق) به وجود هنجار (نظم) و قانونمندی در جهان هستی، وجود یگانه آبردانای برپاکنده و بر پانگه دارنده‌ی آن و همچنین بنیان‌های فردی-گروهی یک زندگی بخردانه، راست و درست و همراه با آسایش و آرامش پی برد.

او پیام خود را که پیام یکتاشناسی و زندگانی خردمندانه‌ی بدور از خرافات و هماهنگ با قانونمندی جهان هستی بود برای مردم جهان به ارمغان آورد. به این ترتیب او دینی را بنیان گذاشت که نخست از ایران زمین آغاز و به دنبال رویدادهای تاریخی (که آن‌ها را به نوشتارهای دیگر و پژوهشگران تاریخ و می‌گذاریم) سرنوشت این دین به جایی کشانده شد که پیروانش به شمار و در سنجش بسیار کم شدند. اما دین و آیین زرتشت از چنان ریشه‌ی پرتوان و استواری برخوردار بود که تاب آورد تا آنکه زمان شکوفایی دوباره‌اش فرارسد.

در همین راه، همانا افزایش دانش و آگاهی و همچنین نیاز به نوشتارهایی کوتاه و مفید تا بتواند به سادگی بیشتر گویای آموزش‌های زرتشت باشد، این نوشتار نشان می‌دهد تا هم زرتشتیان و هم خواستاران گروه به این دین از آموزش‌های راستین پیام آور و آموزگار بزرگ خود به درستی آگاه شوند تا همگان با پذیرش بنیان‌های مشترک و روشن، خود را جزوی از این خانواده‌ی بزرگ و به گفته‌ی «ارتش کار نیک» در جهان بدانند و هم‌زور و یگانه در راه دوستی، آرامش، شادی و خوشبختی همبودگای جهانی بکوشند.

نخستین بنیان‌های پذیرفته شده از سوی بهدینان، یعنی آن بنیان‌هایی که هر کس با آگاهی و باور به آن‌ها می‌تواند خود را زرتشتی بداند بیان شده‌اند و سپس فرزندان یا فلسفه‌ی دین یا آموزش‌های اشو زرتشت جستارهایی مانند: چم و چگونگی نیایش، و مقوله‌هایی مانند آگاهی، روان، «انسان چیست»، شایست‌ها و ناشایست‌ها مرگ، سرانجام یا ادامه «فروهر و... روشنگری شده و سرانجام در مورد فراپرس روشنگری گردیده است». و پیشروی نخست بنیان‌های پذیرفته شده از سوی بهدینان، یعنی آن بنیان‌هایی که هر کس با آگاهی و باور به آن‌ها می‌تواند خود را زرتشتی بداند بیان شده‌اند و سپس فرزندان یا فلسفه‌ی دین یا آموزش‌های اشو زرتشت.

### بحث و نتیجه‌گیری

اصلاح از درون با مفاهیمی نظیر خودسازی (اصلاح از درون) و خودسازی همراه است. بدین منظور برای اینکه اصلاح از درون شکل بگیرد لازم است که انسان ابتدا خود را بشناسد و پس از شناخت خود اقدام به خود سازی بکند. اهمیت اصلاح از درون، هم در ادیان آسمانی و پیشوایانی دینی بیان شده است. آن چه از تاریخ ادیان الهی و برخی روایات اسلامی به دست می‌آید: زرتشت از پیامبران الهی است، دین زرتشت که منتسب به وی است، دین الهی است. اگر چه محل و تاریخ تولد وی روشن

نیست. روایات ایرانی تولد زرتشت را در حدود ۶۶۰ سال قبل از میلاد نشان می‌دهد که اغلب محققان جدید آن را پذیرفته‌اند. بعضی دیگر با قرائن و دلایل، زمان ظهور او را به حدود سال 1000 ق.م دانسته‌اند. به رغم این که درباره دین زرتشت اختلاف وجود دارد که از ادیان الهی است یا نه، در منابع اسلامی تأکید شده است که دین زرتشت یکی از ادیان الهی بوده و زرتشتیان از اهل کتاب هستند.

نزدیک به 4000 سال پیش، هنگامی که انسان در ناآگاهی و نادانی بسیار بیشتری به سر می‌برد، و از همین رو با نشناختن دنیای پیرامونش و ندانستن سبب‌های رویدادهای سرشتی و آخشیقی (طبیعی - مادی) برای هر نمودی از جهان هستی و یا سبب‌ها (احساسات) و کارکردهای انسانی، خدایی و خدای گونه‌ای در پندار خود بافته و ساخته بود و به درگاه آن‌ها نیاز و قربانی کرده در ترس و بیم همیشگی از خشم آنان به سر می‌برد و هنگامی که گرپن‌ها و کاوی‌ها، همانا کیش مداران و قدرتمداران و زورگویان از نادانی و ناآگاهی او بهره‌برداری می‌کردند و سرانجام هنگامی که آرامش و شادی و خوشبختی از زندگی‌ها رخت برپسته و راهی برای رهایی و رهایی بخشی در دیده نبود:

بزرگ مرد اندیشمند و فرزانه‌ای «زرتشت» نام از خانواده‌ی «اسپنتمان» (اسپیتمان) در جستجوی خود به دنبال راستی‌ها (حقیقت)، پس از گذشتن از یک روند و جریان آگاهی، از راه خرد و الهام درونی و روشنایی یافتن (اشراق) به وجود هنجار (نظم) و قانونمندی در جهان هستی، وجود یگانه آبردانای برپاکونده و بر پانگاه دارنده‌ی آن و همچنین بنیان‌های فردی - گروهی یک زندگی بخردانه، راست و درست و همراه با آسایش و آرامش پی برد.

با توجه به آنچه در باب انسان شناسی زرتشت و دلالت‌های تربیتی برخاسته از آن بیان شد، می‌توان بسیاری از اندیشه‌ها و مفاهیم این دین را در زمینه شناخت انسان و استلزام‌های تربیتی آن مطلوب ارزیابی کرد، برای نمونه بر اساس بینش زرتشت، خودسازی (اصلاح از درون) دارای چهار بعد ارتباط با اهورامزدا، سایر انسان‌ها، جهان هستی و نیز خویشتن می‌شود، اما تبیین این تعاملات چهارگانه همه جانبه، عمیق و کامل نیست و در هر ارتباط، تنها به جنبه‌هایی از آن تأکید می‌شود. از جمله، می‌توان به ارتباط خود با اهورامزدا اشاره کرد که پرورش فروزه‌های اهورایی و هومن، اشا، خشتهرا، سپنتا آرمیتی، ه آروتات و امرتات انسان را به خودسازی (اصلاح از درون) و خداشناسی می‌رسد؛ گرچه در این تعامل، مفهوم اطاعت و بندگی نهفته است، همچنین در بینش زرتشت، در ارتباط انسان با اهورامزدا، انسان مقام دوستی و یآوری اهورامزدا را به دست می‌آورد که بر مبنای آن، بایستی اهورامزدا را در نیل به هدف نهایی خود، که استقرار خیر کامل در سراسر جهان و مبارزه با شر است، یاری رساند.

بر اساس برخی بندهای اوستا، به ویژه آنچه در گات‌ها آمده است، در بینش زرتشت، انسان موجودی دوعودی است و در وجودش، دو بعد روان (اورون) و تن (تنو) از یکدیگر قابل شناسایی و تمیز هستند. از جمله گاهان ۳۱ بند ۱۱ و گاهان ۵۵ بند ۱ به این امر اشاره دارند. در بینش زرتشت، تعالی معنوی انسان و نیل به اهورامزدا، از طریق آماشاسپندان محقق می‌گردد؛ منظور از آماشاسپندان، همان صفات الهی و فضایل انسانی هستند که آدمی با شناخت و کسب آن‌ها، در مسیر خودآگاهی و تکامل روحانی خویش گام می‌نهد و در نهایت، اهورایی می‌شود.

در بینش زرتشت، کسب فضایل معنوی و تعالی خویشتن، موجب شناخت اهورامزدا، جهان هستی و سایر انسان‌ها و نیز تنظیم ارتباط با آن‌ها می‌شود. از این رو، خود در فرهنگ زرتشت دارای ابعاد مختلفی است. البته این ابعاد برگرفته از متن اصلی اوستا نیست و تنها بر اساس برداشت‌ها و تفاسیر صورت گرفته برخی مؤلفان اوستا بیان شده است. این ابعاد عبارتند از: ۱. خود در ارتباط با شناخت اهورامزدا: ۳. خود در ارتباط با سایر انسان‌ها: ۴. خود در ارتباط با خویشتن. است. همچنین ویژگی‌های اصلاح از درون از نگاه آئین زرتشت: ۱. تحول درونی برای دستیابی به بینش همراهی اندیشه و عمل، ۲. تأثیرپذیری و الگوسازی، ۳. سعی و تلاش در مسیر کمال تدریجی انسانی، ۴. حق شناسی و سپاس گذاری از معلم. با توجه به آنچه در باب انسان شناسی زرتشت و دلالت‌های تربیتی برخاسته از آن بیان شد، می‌توان بسیاری از اندیشه‌ها و مفاهیم این دین را در زمینه شناخت انسان و استلزام‌های تربیتی آن مطلوب ارزیابی کرد، برای نمونه بر اساس بینش زرتشت، خودسازی (اصلاح از درون) دارای چهار بعد ارتباط با اهورامزدا، سایر انسان‌ها، جهان هستی و نیز خویشتن می‌شود،

بر اساس نگرش زرتشت به مفهوم انسان و تکامل معنوی وی، معلم الگوی کامل اخلاقی برای متربی است که می‌تواند با ایجاد تحول درونی در وی، او را در نیل به تعالی روحی یاری رساند. متربی وظیفه دارد تا با تأثیرپذیری از معلم خود و تلاش در مسیر تکامل، موجبات رشد و تحول درونی، وحدت شخصیتی و هماهنگی میان اندیشه، گفتار و رفتار و خویش را فراهم آورد و به خودآگاهی برسد.

گرچه انسان شناسی زرتشت و دلالت‌های تربیتی برخاسته از آن مطلوب به نظر می‌رسد، ولی با توجه به خط سیر تکامل و تحول ادیان، بسیاری از مفاهیم و مفروضات مشترک میان ادیان، با ظهور ادیان جدید عمق و غنای بیشتری می‌یابد. آن گونه که در سایه ادیان متأخر، پویایی خود را از دست می‌دهد و به تدریج، رو به افول می‌گذارد. بر این اساس، آنچه ضرورت در مطالعه ادیان متقدم را توجیه می‌کند، علاوه بر شناخت هرچه بیشتر ادیان در حوزه تخصصی دین شناسی، آگاهی از خط سیر تحول و تکامل ادیان است؛ زیرا مطالعه ادیان متقدم، زمینه درک و دریافت عمیق‌تر از ادیان متأخر را فراهم می‌کند.

#### منابع

##### - قرآن کریم

- اخوان کاظمی، بهرام. (۱۳۷۹)؛ مقاله برداشت‌های پیرامون مفهوم اصلاحات، روزنامه اطلاعات ۲۰ شهریور.
- آشتیانی، سید جلال الدین، (۱۳۷۴)؛ زرتشت (مزدیسنا و حکومت)، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- افتخارزاده، محمودرضا، (۱۳۷۷)؛ ایران؛ آیین و فرهنگ. تهران، رسالت قلم.
- اوشیدری، جهانگیر، (۱۳۷۱)؛ دانشنامه مزدیسنا، تهران، مرکز.
- بویس، مری، (۱۳۷۴)؛ تاریخ کیش زرتشتی، ترجمه همایون صنعتی زاده، تهران، توس.
- تیواری، کدارات، (۱۳۸۱)؛ دین شناسی تطبیقی، ترجمه مرضیه شنکایی، تهران، سمت.
- توفیقی، حسین، (۱۳۹۱)؛ آشنایی با ادیان بزرگ، تهران، سمت.
- جلال الدین سیوطی، (۱۳۱۴ ق)؛ الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۶ ص ۲۱۵.
- جمشیدی، کامران. (۱۹۹۹)؛ پیام پاک زرتشت، از خودشناسی تا خداشناسی (بینش و بنیان‌های بهدینی)، انتشارات کانون زرتشتیان.
- جنکینز، ریچارد. (۱۳۸۱)؛ هویت اجتماعی، مترجم: تورج یار احمدی، تهران، انتشارات شیرازه.
- خنجری، خداداد، (۱۳۷۵)؛ بینش زرتشت، تهران، انتشارات تهران.
- دوستخواه، جلیل، (۱۳۷۰)؛ اوستا، تهران، مروارید.
- رضازاده شفق، صادق، (۱۳۳۵)؛ ایران از نظر خاورشناسان، تهران، مؤسسه انتشارات فرانکلین.
- ریاضی هروی، شیدا، شمشری، بابک. (۱۳۹۳)؛ نگاهی به انسان‌شناسی زرتشت و استنتاج دلالت‌های تربیتی آن، مجله معرفت ادیان، سال پنجم، شماره دوم، پیاپی ۱۸، بهار ۱۳۹۳، صص ۱۱۹-۱۳۵
- ری شهری، محمد (۱۳۷۵)؛ میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۷۰، انتشارات دارالحديث، چاپ اول،

- شهزادی، رستم، (۱۳۷۱)؛ زرتشت و آموزش‌های او، تهران، فروهر.
- شهزادی، رستم، (۱۳۶۷)؛ جهان بینی زرتشتی، تهران، فروهر.
- شیخ طوسی الخلاف، (بی‌تا)؛ ج ۲، ص ۱۹۹. بی نام
- صدیق، عیسی، (۱۳۳۶)؛ تاریخ فرهنگ ایران، تهران، دانشگاه تهران.
- ضمیری، محمدعلی، (۱۳۷۳)؛ تاریخ آموزش و پرورش ایران و اسلام، شیراز، راهگشا.
- عبدالله مبلغی، (۱۳۷۳)؛ تاریخ ادیان و مذاهب جهان، ج ۱ ص ۳۶۵ به بعد، چاپ اول، انتشارات مطلق، تابستان ۱۳۷۳
- علی بن حسین مسعودی، (۱۳۸۲)؛ مروج الذهب، ج ۱، چاپ تهران ص ۲۲۵.
- فی، برایان. (۱۳۸۳)؛ پارادایم شناسی در علوم انسانی، مترجم: مرتضی مردمی‌ها، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- قائم مقامی، احمدرضا، (۱۳۸۷)؛ ملاحظاتی کوتاه درباره بعضی قوای نفس در متون زرتشتی، ادبیات و علوم انسانی، ش ۱۸۷: ۹۷ - ۱۱۹.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۸)؛ تجدد و تشخص، مترجم: ناصر موفقیان، تهران، انتشارات نی.
- متقی هندی کنزالعمال، (۱۴۰۹، ۱۹۸۹ م)؛ ج ۲، ص ۳۰۳، بیروت.
- محمد حر عاملی، وسائل الشیعه، (۱۴۰۳ ق)؛ ج ۱۱، ص ۹۶، بیروت دار احیاء التراث العربی
- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۶۴)؛ بحارالانوار، ج ۲، ح ۲۳، تهران، انتشارات اسلامیة،
- مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۸۸)؛ خودشناسی برای خودسازی، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۸۸)؛ خودشناسی برای خود سازی، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- نصری، عبدالله، (۱۳۷۶)؛ سیمای انسان کامل از دیدگاه مکاتب، تهران، دانشگاه تهران.
- نصری، عبدالله، (۱۳۶۱)؛ مبانی انسان شناسی در قرآن، تهران، بنیاد انتقال به تعلیم و تربیت.
- وکیلان، منوچهر، (۱۳۸۵)؛ تاریخ آموزش و پرورش، تهران، دانشگاه پیام نور.
- Mahmoodabadi, SA and H. Abdipoorfard. 2015. Consideration the Nature and Context for Evolution and Generation Alavian Syrian Ideas. UCT Journal of Social Sciences and Humanities Research, Vol 3, Issue 2. 136-138.
- Monderich, Ted (1995) The Oxford Companion to Philosophy New Edition, Oxford: Oxford University Press.